****

[خلاصه بحث اتیان به عمره مفرده قبل از احرام حج تمتع 1](#_Toc488491513)

[(مسألة 359): تاخیر عمدی احرام حج 2](#_Toc488491514)

[(مسألة 360): اتحاد احرام حج و عمره در کیفیت و اختلاف در نیت 3](#_Toc488491515)

[(مسألة 361) 3](#_Toc488491516)

[بحث اول: آیا لازم است احرام حج تمتع از مکه باشد؟ 4](#_Toc488491517)

[ادله لزوم احرام حج تمتع از مکه 4](#_Toc488491518)

[دلیل اول: صحیحه معاویة بن عمار 4](#_Toc488491519)

[دلیل دوم: معتبره عمر بن یزید 5](#_Toc488491520)

[دلیل سوم: صحیحه حلبی 6](#_Toc488491521)

**موضوع**: احکام احرام /احرام /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## خلاصه بحث اتیان به عمره مفرده قبل از احرام حج تمتع

خلاصه بحث گذشته این شد که دلیل واضحی بر عدم مشروعیت احرام به عمره مفرده قبل از احرام به حج و بعد از اتمام عمره تمتع، یا ابطال عمره تمتع به احرام عمره مفرده نیافتیم، گرچه اطلاقی هم بر صحت عمره مفرده یا عدم بطلان عمره تمتع به این عمره مفرده نداریم، و لکن اصل برائت از مانعیت نسبت به عمره تمتع داریم و همچنین برائت از شرط نبودن صحت حج تمتع به عدم تخلل عمره مفرده در اثناء.

اما گفتیم اگر کسی بگوید از صحیحه حماد یا عدم معهودیت عمره مفرده متخلله، وثوق یا استظهار وجود خللی در این عمره مفرده می شود، به این که نامشروع یا مبطل باشد، بعد از احرام به عمره مفرده، علم اجمالی به وجود می آید که یا عمره تمتع قبلی باطل شده و باید عمره تمتع دیگری انجام شود و این عمره مفرده هم صحیح است و اتمام آن واجب است، یا این که عمره تمتع سابق صحیح است و اثر الزامی آن، احتباس به حج است.

ما عرض کردیم شاید بتوان علم اجمالی مزبور را منحل کرد به علم تفصیلی به بطلان عمره مفرده علی ای حال، یا از این باب که حرام تشریعی است و یا از این باب که مبطل عمره تمتع است و ابطال آن حرام است و حرام نمی تواند به عنوان عبادت صحیحه واقع شود و نسبت به این که آیا این عمره مفرده مبطل عمره تمتع است یا نه، برائت از مانعیت بدون معارض جاری می شود، تا بحال برائت از مانعیت معارض داشت، اما بعد از علم تفصیلی به بطلان عمره مفرده علی کل حال، نسبت به مانعیت آن اصل برائت جاری می شود و عمره تمتع، ظاهرا صحیح خواهد شد و مشکل حل می شود.

البته این انحلال مبتنی بر علم تفصیلی به بطلان عمره مفرده است، و لکن لقائل ان یقول که ما چنین علم تفصیلی پیدا نمی کنیم، چون (بنا بر جواز اجتماع امر و نهی) ثبوتا ممکن است عمره مفرده حرام تشریعی نبوده و صحیح باشد، ولی مبطل عمره تمتع هم باشد (مثل کسی که نذر کرده به جماعت نماز بخواند و بعد فرادی بجا آورد که این نماز فرادی سبب حنث نذر است، اما خود نماز صحیح است) و با وجود این احتمال، علم تفصیلی به بطلان عمره مفرد حاصل نمی شود.

ولی اگر علم تفصیلی به بطلان عمره مفرده حاصل شود، شک در صحت و فساد عمره تمتع می شود و برائت از مانعیت و مبطلیت جاری می شود و عمره تمتع صحیح ظاهری می شود و احکام آن مترتب می شود که یکی از آن احکام، احتباس به حج است.

## (مسألة 359): تاخیر عمدی احرام حج

**يتضيق وقت الاحرام فيما إذا استلزم تأخيره فوات الوقوف بعرفات يوم عرفة**.[[1]](#footnote-1)

اگر احرام به حج را تاخیر بیندازیم که مسمای وقوف اختیاری به عرفات فوت شود، احرام حج باطل می شود، پس نباید به این مقدار تاخیر بیندازیم.

## (مسألة 360): اتحاد احرام حج و عمره در کیفیت و اختلاف در نیت

**يتحد احرام الحج و احرام العمرة في كيفيته و واجباته و محرّماته‌ و الاختلاف بينهما إنما هو في النية فقط**.[[2]](#footnote-2)

احرام حج و احرام عمره در کیفیت و واجبات و محرمات مشترک هستند و تنها اختلاف این دو در نیت است، در صحیحه معاویة بن عمار آمده است: ... ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ- كَمَا قُلْتَ حِينَ أَحْرَمْتَ مِنَ الشَّجَرَةِ- فَأَحْرِمْ بِالْحَجِّ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ- فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى فَضَاءٍ دُونَ الرَّدْمِ فَلَبِّ- فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الرَّدْمِ وَ أَشْرَفْتَ عَلَى الْأَبْطَحِ- فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ حَتَّى تَأْتِيَ مِنًى.[[3]](#footnote-3)

نکته

در غسل احرام در میقات مسجد شجره از روایات استفاده می شود که باید در خود ذی الحلیفه غسل کند، مگر آب پیدا نکند، اما در مکه دلیلی بر لزوم غسل در خود مکه نداریم و لذا این فرق هم مناسب است ذکر شود. بنا بر نظر کسانی که میقات حج تمتع را مکه قدیمه می دانند، اگر بگوییم محل غسل احرام در مکه قدیمه است، باید به مکه قدیمه برود، ولی اگر بگوییم شرط نیست در خود میقات باشد، در هتل های خارج از مکه قدیمه هم می توان غسل احرام نمود.

## (مسألة 361)

**للمكلف أن يحرم للحج من مكة القديمة من أيّ موضع شاء. و يستحب له الاحرام من المسجد الحرام في مقام ابراهيم. أو حجر اسماعيل.**[[4]](#footnote-4)

### بحث اول: آیا لازم است احرام حج تمتع از مکه باشد؟

اجماع فقهاء امامیه بر این است که احرام حج تمتع از مکه مجزی است و علامه در منتهی فرموده ذهب الیه علمائنا و لایعرف فیه خلاف الا فی روایة من احمد بن حنبل که وی گفته باید از میقات، احرام حج تمتع ببندد و مغنی ابن قدامة هم این مطلب را نقل کرده است.

و این مطلب عجیب است، در حالی که در حجة الوداع حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود از حج قران به حج تمتع عدول کنید و در همان مکه همگی محرم شدند و لذا وجوب تعیینی احرام از میقات، خلاف سنت قطعیه است.

### ادله لزوم احرام حج تمتع از مکه

#### دلیل اول: صحیحه معاویة بن عمار

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاغْتَسِلْ- ثُمَّ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ وَ ادْخُلِ الْمَسْجِدَ حَافِياً- وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ.[[5]](#footnote-5)

ظاهر صحیحه، وجوب احرام از مسجد الحرام است، و لکن چون قرینه بر عدم وجوب احرام از مسجد الحرام داریم، به مقداری که دلیل داریم از وجوب احرام از مسجد الحرام رفع ید می کنیم و دلیل داریم که احرام از مکه جایز است و نه بیشتر.

نقد دلیل اول

اولا: قرینه قرار گرفتن امر به احرام از مسجد الحرام در سیاق مستحبات، سلب ظهور در وجوب می کند.

ثانیا: این که ارتکاز قطعی متشرعی وجود دارد که احرام از مسجد الحرام واجب نیست، نمی گذارد ظهور در وجوب احرم من المسجد باقی بماند، زیرا قرینه لبیه متصله است و عرف می گوید ظهور در وجوب ندارد.

البته این دو اشکال بنا بر نظر محقق خوئی در دلالت صیغه امر بر وجوب به سبب حکم عقل، جاری نیست.

ثالثا: احرام از مکه که عدل احرام از مسجد الحرام نیست، بلکه نسبت جزء و کل دارند، پس اگر احرام از مکه جایز باشد که جایز است، حتما امر به احرام از مسجد الحرام، استحبابی است و نمی شود بر وجوب تخییری حمل شود، لذا حتی اگر قرینیت سیاق یا قرینه لبی نداشتیم و فقط قرینه منفصله می داشتیم، باز هم معلوم می شد که امر به احرام از مسجد الحرام، امر وجوبی نیست، زیرا معنا ندارد که وجوب تخییری باشد، زیرا تخییر بین جزء و کل که عرفی نیست و نهایتا احرام از مسجد الحرام، افضل الفردین می شود.

#### دلیل دوم: معتبره عمر بن یزید

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَاصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ بِالشَّجَرَةِ- ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْمَقَامِ ثُمَّ أَهِلَّ بِالْحَجِّ- فَإِنْ كُنْتَ مَاشِياً فَلَبِّ عِنْدَ الْمَقَامِ- وَ إِنْ كُنْتَ رَاكِباً فَإِذَا نَهَضَ بِكَ بَعِيرُكَ- وَ صَلِّ الظُّهْرَ إِنْ قَدَرْتَ بِمِنًى الْحَدِيثَ.[[6]](#footnote-6)

نقد دلیل دوم

این هم اشکالات دلالی دلیل قبلی را دارد.

#### دلیل سوم: صحیحه حلبی

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَتَّعُ بِالْعُمْرَةِ- إِلَى الْحَجِّ يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الطَّائِفِ- قَالَ يُهِلُّ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ- وَ مَا أُحِبُّ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلَّا مُحْرِماً- وَ لَا يَتَجَاوَزِ الطَّائِفَ إِنَّهَا قَرِيبَةٌ مِنْ مَكَّةَ.[[7]](#footnote-7)

اگر احرام از مکه لازم نبود، چرا فرمود یهل بالحج من مکه و لذا معلوم می شود که احرام از مکه وجوب تعیینی دارد.

نقد دلیل سوم

اولا: یهل بالحج من مکة بعد از عبارت «و ما احب ان یخرج منها الا محرما» آمده و ظهور در وجوب یهل بالحج من مکة را از بین می برد، ظاهر ما احب این است که حکم الزامی نبوده است و لااقل ما یصلح للقرینیة است.

ان قلت: نظائر این تعبیر مثل تعبیر لا یحب الله الجهر بالسوء قطعا ظاهر در حرمت است، فکذلک هذه الروایة.

قلت: فرق است بین ما احب از سوی خداوند با معصومین، زیرا وقتی معصومین مطلبی می فرمایند، ظاهر بیان خطابات احکام شرعیه این نیست که تشریع می کنند، بلکه ظاهر است در این که حکم الله را نقل می­کنند و لذا فرموده اند کلام ما کلام پدران ما و از ناحیه خداوند است، لذا اگر حکم خداوند به احرام حج تمتع از مکه الزامی باشد، معنا ندارد که بعد از آن بفرماید من دوست ندارم شما بدون احرام از مکه خارج شوید، زیرا عرفا این تعبیر برای بیان حکم الزامی کافی نیست.

بله، در برخی موارد، کلام امام علیه السلام در مظان تقیه است و احتمال عرفی تقیه می رود، در این گونه موارد ما احب ظهور در نفی حکم الزامی و ظهور در کراهت ندارد، مثلا عامه تظلیل در حال احرام را حلال می دانند و امام علیه السلام فرموده ما یعجبنی، این دیگر ظهور در کراهت ندارد، گرچه ظهور در حرمت هم ندارد.

ثانیا: ما احتمال فرق می دهیم، یعنی احتمال می دهیم کسی که بعد از عمره تمتع از مکه خارج می شود و به مکانی غیر از عرفات می خواهد برود، حق نداشته باشد بدون احرام از مکه خارج شود، ولی این دلیل نمی­شود که کسی که از مکه به سمت عرفات برای انجام مناسک حج می رود، لازم باشد از خود مکه محرم شود.

1. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 155‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/153) [↑](#footnote-ref-1)
2. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 156‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/154) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج12، ص408، أبواب کیفیة الإحرام بالحج، باب52، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/12/408/%D8%B5%D9%88%D8%AA%DA%A9) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 156‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/154) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج12، ص408، أبواب کیفیة الإحرام بالحج، باب52، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/12/408/%D9%81%D8%A7%D8%BA%D8%AA%D8%B3%D9%84) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج12، ص397، أبواب استحباب رفع الصوت بالتلبیة...، باب46، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/12/397/%D9%81%D8%A7%D8%B5%D9%86%D8%B9) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص303، أبواب وجوب الإتیان بعمرة التمتع...، باب22، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/303/%DB%8C%D8%AA%D8%AC%D8%A7%D9%88%D8%B2) [↑](#footnote-ref-7)